

تحليل مفهومى حديث مَنْ مَاتَ وَلَمْ يَعْرِفْ إِمَامَ زَمَانِهِ مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً

محترم احمدشعربافى^١

^١. طلبه سطح ٢، حوزه علميه فاطمه الزهرا (س)، m.sherbafi@gmail.com.

چکیده :

این مقاله با محوریت تحلیل حدیث «من مات ولم يعرف إمام زمانه مات میتة جاهلیة» به بررسی ابعاد معرفتی، اعتقادی و معنوی شناخت امام زمان (عج) می‌پردازد. نویسنده با بهره‌گیری از منابع قرآن، نهج‌البلاغه، احادیث اهل بیت (ع) و آثار علمی معتبر، تبیین می‌کند که مرگ جاهلی تنها به معنای ناآگاهی تاریخی یا فیزیکی نیست، بلکه به حالتی از مردگی معنوی و فقدان ارتباط با حقیقت الهی اشاره دارد. در این راستا، شناخت امام، نه فقط دانشی نظری، بلکه تسلیم قلبی، تبعیت عملی و اتصال اخلاقی به هدایت امام عصر دانسته شده است. مقاله نشان می‌دهد که معرفت امام، ریشه‌ای‌ترین بخش ایمان دینی است و بدون آن، سایر اعمال عبادی، فاقد ارزش نجات‌بخش خواهند بود. همچنین با تکیه بر متون روایی و تفسیری، تأکید می‌شود که شناخت امام، زمینه‌ساز حیات حقیقی و عامل مصونیت انسان از گمراهی و بی‌هویتی در زمانه‌ی غیبت است. در نهایت، مقاله این حدیث را به عنوان فراخوانی به بیداری معنوی و مسئولیت‌پذیری دینی تحلیل می‌کند و آن را در پرتو نیاز انسان معاصر به معنا و هدایت الهی، به‌روز و کاربردی می‌سازد.

کلیدواژه ها : معرفت امام، مرگ جاهلی، شناخت قلبی و عملی، امام زمان (عج)، هدایت الهی، حیات حقیقی.

این حدیث که در میان شیعیان اهمیت ویژه‌ای دارد، به بیان این پیام می‌پردازد که هرگاه انسانی بدون شناخت و ارتباط قلبی با امام زمان (عج) از دنیا رخت بربندد، عملاً از نظر معنوی و اخلاقی مرده محسوب می‌شود. در اینجا «موت» نه تنها به مرگ فیزیکی بلکه به مردگی روحی و فقدان بُعد معنوی اشاره دارد. این مطلب از این جهت اهمیت دارد که به معنویت و زندگانی واقعی انسان پرداخته و نشان می‌دهد تنها زندگی جسمی کافی نیست، بلکه بدون ارتباط با راهنمای معنوی، وجود انسان ناقص و حتی پوچ می‌شود.

۱. بیان موضوع و مسئله: امام به معنای رهبر دینی و دنیایی^۱ و پیشوا^۲ است و در منابع شیعی یعنی کسی که انسان قدم در جای پای او می‌گذارد و دنباله رو اوست و اندکی از مسیری که او می‌رود تخطی نکرده و اطاعت محض از او دارد. شناخت: هم معنی علم و دانستن و فهم حقیقی از یک موضوع یا مسئله. مرگ جاهلی: مرگی همچون افراد نادان که هم چیزی را نفهمیدند و هم هر چه داشتند از دست دادند و دیگر چاره و راه فراری از مصیبت وارده به خود را ندارند و دردشان علاج ندارد و تا ابد در منجلاب این خسران گرفتارند.

۲. ضرورت و اهمیت: از کودکی هر گاه از جلوی مسجد محل عبور می‌کردم این حدیث به چشمم می‌خورد که هر کس بمیرد و امام زمان خود را نشناسد به مرگ جاهلی مرده است و چون به واسطه از دست دادن پدرم در کودکی معنای مرگ برایم قابل درک بود، همیشه این سوال در ذهنم وجود داشت که من چگونه می‌توانم امام زمان غایب را بشناسم و اینکه مرگ جاهلی چیست و چند نوع مرگ داریم که یکی از آنها مرگ جاهلیست؟ و شناخت امام زمان به چه معناست؟

روش کار من در این مقاله عقلی و نقلی است.

پیشینه: ۱. کتاب معرفت امام عصر علیه السلام از آقای سید محمد بنی هاشمی.

۱. دهخدا، فرهنگ جامع فارسی-عربی، معنای واژه امام.

۲. معین، فرهنگ فارسی معین، معنای واژه امام.

۲. بررسی تحلیلی وجوه تمایز انسان جاهلی از انسان متعالی از منظر قرآن با رویکرد به ولایت و امامت امام مهدی (علیه السلام) نویسنده: علاءالدین، سید محمدرضا، قرآنی کوثر بهار ۱۳۹۷ - شماره ۶۱ (۲۴ صفحه - از ۴۹ تا ۷۲).

۳. اعتبار حدیث من مات و لم يعرف امام زمانه از دیدگاه فریقین، ناقد: زهدات، عبدالمجید پژوهشنامه حکمت و فلسفه اسلامی زمستان ۱۳۸۹ - شماره ۳۴ (۱۶ صفحه - از ۱۱۹ تا ۱۳۴)

۴. معرفت امام و رابطه ی آن با ایمان و نجات (مطالعه موردی آراء استاد مطهری)، نویسنده: ظهیری، سید مجید؛

۵. مصادر حدیث: «من مات و لم يعرف إمام زمانه» المستخرجة من کتاب «شناخت امام یا راه رهایی از مرگ جاهلی»، نویسنده: فقیه ایمانی، مهدی؛

مجله: مجموعه مقالات کنگره شیخ مفید «دوره ۱ - جلد ۷۰ (مقالات فارسی)» (۱۹ صفحه - از ۱ تا ۱۹)

مجله: پژوهش های اجتماعی اسلامی «بهمن و اسفند ۱۳۸۷ - شماره ۷۴ ISC» (۲۲ صفحه - از ۱۵ تا ۳۶)

اهداف: رسیدن به تحلیل درستی از مفهوم حدیث «من مات و لم يعرف امام زمانه مات میتة جاهلیت» و درک حدیث ان شاء الله.

سوال اصلی: این بیان که "هر کس بمیرد و امام زمان خود را نشناخته باشد؛ به مرگ جاهلی مرده" به چه مفهومی است؟

سوال فرعی ۱. امام کیست؟

۲. منظور از شناخت در این حدیث چیست؟

۳. مرگ جاهلی چیست؟

۴. سرانجام و عاقبت کسی که به مرگ جاهلی می میرد در قرآن و روایات چگونه ترسیم شده است؟

فرضیه: به نظر می رسد داشتن رهبر و امام تاثیر مستقیم و به سزایی در انتخاب مسیر و روش زندگی هر فردی دارد؛ بنابراین عدم شناخت امام و همچنین عدم پیروی از امام حقیقی و رهبر صحیح، می تواند منجر به «مرگ جاهلی» یعنی؛ مرگ در گمراهی و نادانی شود و موجبات خسران ابدی انسان فراهم گردد.

روش تحقیق بنده در این مقاله گردآوری از منابع کتابخانه ای و مقالات است .

محور اصلی این تحلیل بر روی ابعاد مفهومی آن است. در متون دینی، حدیث به عنوان یک هشدار جامع مطرح می‌شود؛ هشدار که در آن تاکید شده است که شناخت امام زمان تنها به اطلاع نظری ختم نمی‌شود بلکه مستلزم تجربه‌ی درون‌نگری، ایمان عمیق و ارتباط قلبی با رهنمودهای الهی است. از این منظر، مطالعه زبان و نحوه بیان کلمه «مات» در این حدیث نشانگر تأکید بر مردگی معنوی و جدایی از حقیقت است.

«انسان وقتی که امام را شناخت می‌تواند از او پیروی کند وقتی که انسان دانست راه امام چه بوده خط سیرش در زندگی چه بوده می‌تواند از او پیروی کند و الا اگر انسان نداند که امام او به کدام راه و کدام جهت می‌رفته و خط سیرش چه بوده چگونه می‌تواند او را به امامت قبول کند و امام بداند آخر امام یعنی پیشوا امام یعنی پیشرو»^۱.

ماهیت امام

امام حق، حجت الهی و خلیفه خدا بر روی زمین است. مأموریت او اقامه حکومت الهی و رهبری و راهنمایی خلق است. امام حق - به دلایل عقلی و نقلی - متصف به علم لدنی، عصمت و افضلیت بر دیگران از معاصران خویش است و به همین دلیل، همه ویژگی‌های لازم در فرمانروای دانا و عادل را - به بهترین صورت ممکن - داراست و علاوه بر حکمرانی و مدیریت جامعه، مرجعیت علمی و دینی و وساطت در فیض الهی نیز بر عهده اوست.

از آنجا که امام بالاترین مقام بشری را داراست، او برترین الگو و راهنما برای بشریت است و گفتار و رفتارش حجت بر مردم است و پیروی از او واجب است. بر اساس آیات قرآن و احادیث و ادله عقلی، انتخاب و برگزیدگی امام طبق دستور الهی و نص شرعی صورت گرفته و در حیطه اختیارات مردم نیست. این امام حق، بالاترین درجه روح (روح القدس) و خرد (عقل کل) را داراست و همچنین بالاترین درجه ارتباط با خداوند و نزدیکی به او را دارد.

بر اساس ادله عقلی و نقلی و ضرورت وجود حجت الهی تا روز قیامت، در هر عصری امامی از جانب خدا وجود دارد که متولی امامت و ولایت بر جامعه بشری است.

^۱ . خامنه‌ای، هم‌زمان حسین علیه السلام، ص ۱۳.

بدان معناست که در نظر برخی متفکران دینی، مرگ واقعی زمانی رخ می‌دهد که جان، در رشد و شکوفایی معنوی، با نور هدایت مطلق جدا باشد؛ و این نور همان معرفت امام است.

به عبارت دیگر، پذیرش و شناخت امام به عنوان مرشد معنوی، زندگی را به سطحی از آگاهی و اخلاق ارتقا می‌دهد و از مرگ درونی جلوگیری می‌کند. از سوی دیگر، عدم توجه کافی به این معرفت، انسان را در تاریکی‌های جهالت نگه می‌دارد که با آن، حتی زنده بودن جسمانی به معنای کامل زندگی محسوب نمی‌شود. در متون نهج‌البلاغه، گرچه به‌طور لفظی حدیث «من مات ولم يعرف إمام الزمان، هی مات» نیامده است، اما مفاهیمی پیرامون اهمیت دریافت نور هدایت و معرفت اهل بیت (ع) وجود دارد که با مضمون این حدیث ارتباط تنگاتنگی دارد. برخی از نکات کلیدی در این باره عبارتند از:

۱. معرفت به عنوان چراغ راهنمای زندگی

امام علی (ع) در سخنان خود تأکید می‌کند که زندگی حقیقی انسان تنها زمانی به کمال می‌رسد که او از حقیقت مطلع شود. او بر این باور است که دانش و معرفت، ستون‌های بنیادین وجود انسان هستند؛ بدون دریافت نور راهنمای الهی، فرد در تاریکی‌های معنوی و اخلاقی خواهد ماند. این دیدگاه عملاً نشان می‌دهد که تنها وجود جسمانی بدون آگاهی از معارف الهی و پیروی از راهنمایی‌های اهل بیت، معادل با مردن روحانی است.

۲. زندگی معنوی در مقابل مرگ درون

در نهج‌البلاغه، امام علی (ع) بارها به اهمیت بیداری و هوشیاری دینی اشاره کرده و خاطرنشان می‌سازد که بی‌بهره ماندن از معرفت حق، انسان را در حالت گمراهی و فراموشی ذات الهی فرو می‌برد. از این منظر، عدم شناخت رهنمای معنوی به منزله‌ی «مردنی» در دنیای باطنی تلقی می‌شود؛ یعنی اگر روح انسان از نور هدایت محروم بماند، در واقعیت از بین می‌رود حتی اگر بدن به‌طور فیزیکی زنده باشد.

۳. وظیفه پیروی از رهبر معنوی

امام علی (ع) تأکید می‌کند که پیروی از رهبر معنوی و اهل بیت تنها یک مسئولیت دینی نیست؛ بلکه مسیری است برای فراگیری خرد، عدالت و بینش الهی. اگر فردی این نور راهنما را نپذیرد یا درک نکند، عملاً از فرصت دستیابی به کمال انسانی و رشد روحانی محروم می‌شود. این پیام هم‌راستا با مضمونی است که در حدیث «من مات ولم يعرف إمام الزمان، هی مات» بیان شده است.

۴. دعوت به تعمق و پژوهش در معارف الهی

نهج‌البلاغه، مجموعه‌ای از خطبه‌ها، نامه‌ها و حکمت‌های اعلاست که مخاطب را به جستجوی عمیق معارف الهی و شناخت ذات حقیقت دعوت می‌کند. در این زمینه، امام علی (ع) بر اهمیت اندیشه و تعمق در تعالیم دینی تأکید دارد؛ چرا که از طریق دریافت صحیح معرفت، انسان قادر می‌شود تا از مرگ درون (یعنی نابودی روحانی) جلوگیری کند و به زندگی پر معنا دست یابد.

در مجموع، آموزه‌های نهج‌البلاغه مخاطب را ترغیب می‌کند تا زندگی خود را فقط به بُعد فیزیکی محدود نداند و از طریق شناخت نور هدایت اهل بیت (ع) به تحقق واقعی وجود دست یابد. اگرچه متن حدیث مذکور در این مجموعه به‌طور مستقیم نیامده است، اما مضامین گفته شده به‌طور شفاف بر اهمیت دریافت هدایت معنوی و پرهیز از غفلت روحانی تأکید دارند.

پیام اخروی و مسئولیت‌پذیری فردی

این حدیث همچنین پیامی اخلاقی و مسئولیت‌پذیری عمیق به مخاطب می‌دهد. شناخت امام زمان به منزله‌ی پذیرش مسئولیت‌های اخلاقی و اجتماعی است. از طرفی، عدم شناخت نشان‌دهنده بی‌توجهی به مسائل اخلاقی، معنوی و اجتماعی است که در نهایت به یک نوع فنا و بی‌حاصل بودن زندگی منجر می‌شود. به عبارت دیگر، حدیث تأکید می‌کند که زندگی واقعی تنها در خدمت نور معرفتی و اخلاقی است که از امام زمان به دست می‌آید.

تفسیر معاصر و ابعاد اجتماعی

در دنیای معاصر که انسان‌ها اغلب در جستجوی معنا و هویت در میان فراز و نشیب‌های زندگی مدرن هستند، این حدیث می‌تواند به عنوان یادآوری برای بازگشت به ارزش‌های معنوی مطرح شود. در زمانه‌ای که مسائل مادی و مادیت غالب شده‌اند، توجه به جنبه‌های روحی و ارتباط با ارزش‌های دینی می‌تواند باعث ایجاد تحول فردی و اجتماعی گردد. از این منظر، «شناخت امام زمان» به منزله‌ی هدایت فرد به سوی یک زندگی جامع و پایدار است که شامل آیین، اخلاق و عدالت می‌شود.

سرانجام کسی که به مرگ جاهلی مرده:

درباره حدیث مورد بحث شخصی از امام صادق علیه السلام سوال می‌کند جاهلیت جهل مطلق یا جاهلیتی که امام را شناسد؟ حضرت در پاسخ می‌فرمایند یعنی عدم معرفت نسبت به امام زمان علیه السلام نتیجه‌اش کفر و نفاق و گمراهی است عدم معرفت که یک فعل اختیاری انسان است ممکن است در اثر عدم معرفی خداوند، بدون کوتاهی کردن خود شخص باشد که این حالت ضلال نامیده می‌شود که تعبیر دیگری از استضعاف است. در این حالت شخص مقصر هم نیست؛ ولی به هر حال از هدایت الهی و دینداری محروم گشته است. حالت کفر و نفاق مربوط به شخصی است که برایش معرفی الهی صورت گرفته ولی او در پذیرفتن و زیر بار آن رفتن کوتاهی کرده و این هم دو حالت دارد یا انکار و عدم تسلیم خود را صریحا ابراز می‌کند؛ که کفر نامیده می‌شود و یا مخفی می‌دارد؛ که حالت نفاق است و در هر سه مورد بالاخره شخص از مسیر عبودیت خداوند دور افتاده و عاقبت بخیر نیست.

از دیدگاه قرآن، شناخت و پیروی از امامان هدایتگر، راه نجات و سعادت است. بر اساس آیه ۷۱ **سوره اسراء**، در قیامت، افراد بر اساس امامی که از او پیروی کرده‌اند، مورد محاسبه قرار می‌گیرند. بنابراین، عدم شناخت امام حق، موجب گمراهی و محرومیت از هدایت الهی خواهد شد.

بنابراین، کسی که بدون شناخت امام زمان خود از دنیا برود، از هدایت الهی محروم شده و در زمره گمراهان قرار می‌گیرد.

در نتیجه، عدم شناخت امام یعنی ماندن در «مرگ جاهلی» :

• **عدم بهره‌برداری از منابع الهی**: فرد با نداشتن ارتباط و پذیرش راهنمای معنوی، از منابع نورانی هدایت محروم می‌ماند.

• **زندگی بدون رشد درونی**: بدون آگاهی از ارزش‌های الهی و اخلاقی امام، زندگی فرد به صورت سطحی و خالی از معنا باقی می‌ماند؛ یعنی درونی از بین می‌رود و مثل مرگ جاهلی تلقی می‌شود.

«شناخت امام عصر(عج) آن قدر مهم و پر اهمیت است که از ده ها و صدها سال قبل ، پیشوایان معصوم ، مردم را بدان ترغیب می کردند و ادامه زندگی معنوی و استمرار هدایت را مربوط به آن می دانستند.»^۱ زراره از امام صادق علیه السلام درباره بهترین کار در زمان غیبت و دسترسی به امام سوال کرد؛ و امام صادق خواندن دعای زیر را به او سفارش کردند:

^۱ .زمانی ، اندیشه انتظار، ص ۲۳۷.

«اللَّهُمَّ عَرِّفْنِي نَفْسَكَ فَإِنَّكَ إِن لَّمْ تُعَرِّفْنِي نَفْسَكَ لَمْ أَعْرِفْ نَبِيَّكَ اللَّهُمَّ عَرِّفْنِي رَسُولَكَ فَإِنَّكَ إِن لَّمْ تُعَرِّفْنِي رَسُولَكَ لَمْ أَعْرِفْ حُجَّتَكَ اللَّهُمَّ عَرِّفْنِي حُجَّتَكَ فَإِنَّكَ إِن لَّمْ تُعَرِّفْنِي حُجَّتَكَ ضَلَلْتُ عَنْ دِينِي»^۱

نتیجه گیری

تحلیل مفهومی حدیث «مَنْ مَاتَ وَلَمْ يَعْرِفْ إِمَامَ الزَّمَانِ، هِيَ مَاتَ» نشان می‌دهد که پیام اصلی آن فراخوانی به زندگی معنوی و آگاهی عمیق از ارزش‌های دینی و اخلاقی است. این حدیث به ما یادآوری می‌کند که زندگی تنها به بُعد جسمانی محدود نمی‌شود؛ بلکه شناسایی و ارتباط قلبی با امام زمان، کلید حیات واقعی و پر معناست. در نهایت، این پیام دعوتی است به تفکر، بیداری و تعهد به اصول اخلاقی و معنوی که می‌تواند زمینه‌ساز یک تحول عمیق فردی و اجتماعی گردد.

در دنیای امروز، که انسان‌ها با چالش‌های معنوی و اخلاقی زیادی روبه‌رو هستند، این دو مفهوم دعوت به بازگشت به ریشه‌های معنوی و اندیشیدن به زندگی فراتر از جنبه‌های مادی است. شناخت امام به منزله‌ی تلاش برای دستیابی به معرفت حقیقی و نور هدایت الهی است و انسان را قادر می‌سازد تا از مرگ جاهلی، یعنی بی‌توجهی به ارزش‌های درونی و اخلاقی، رهایی یابد.

در نتیجه، تأکید بر شناخت امام، نه فقط یک مسئله اعتقادی، بلکه راهنمایی برای دستیابی به زندگی کامل و پرمعنا است؛ زندگی‌ای که از نور معرفت و اخلاق بهره‌مند بوده و در برابر جهالت و بی‌هدفی مقاومت می‌کند.

^۱. کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۳۳۷، حدیث ۵.

فهرست منابع:

فهرست کتاب ها:

۱. قرآن
۲. نهج البلاغه
۳. بنی هاشمی، سید محمد، معرفت امام عصر علیه السلام، (بی جا): نیک معارف، دوم، ۱۳۷۷ ه.ش.
۴. حر عاملی، محمد بن حسن، تفصیل وسائل الشیعه إلى تحصیل مسائل الشریعه، بی جا: مؤسسه آل البيت لإحياء التراث، ۱۴۱۴ هجری قمری.
۵. خامنه ای، سید علی، همزمان حسین (علیه السلام)، تهران: انقلاب اسلامی، بیست و پنجم، ۱۴۰۲.
۶. دهخدا، علی اکبر، فرهنگ جامع فارسی-عربی، تهران: موسسه لغت نامه دهخدا و مرکز بین المللی آموزش زبان فارسی، بی تا.
۷. زمانی، احمد (رجبعلی)، اندیشه انتظار شناخت امام عصر (عج) و چگونگی حکومت جهانی صالحان، قم: موسسه بوستان کتاب، ۱۳۸۷.
۸. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تحقیق و تصحیح علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، تهران، دار الکتب الاسلامیه، چاپ چهارم، ۱۴۰۷ ق.
۹. معین، محمد، فرهنگ فارسی معین، بی جا: موسسه انتشارات امیر کبیر، بی تا.

فهرست مقالات:

۱۰. امام - امامت پدیا، دانشنامه ُ امامت و ولایت.
۱۱. ویکی شیعه.
۱۲. دانشنامه اسلامی اهل البيت. به نشانی <https://wiki.ahlolbait.com>.
۱۳. معرفت امام زمان - مهدی پدیا.
14. <https://lamtakam.com/>